

موضوع‌شناسی، دانشی نو

«مبانی نظری»

گروه پژوهش‌های بنیادین

پژوهشگر: عباس ظهیری

WWW.KETAB.IR

- سرشناسه : ظهیری، عباس، ۱۳۳۹-
 عنوان و نام پدیدآور : موضوع‌شناسی دانشی نو: مبانی نظری / عباس ظهیری؛ [برای] مؤسسه موضوع‌شناسی احکام فقهی، گروه پژوهش‌های بنیادین.
 مشخصات نشر : قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۴۰۰-۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتاب حاضر نخستین بار با عنوان "موضوع‌شناسی دانش نوظهور" در سال ۱۳۹۶ توسط نشر معروف منتشر شده است.
 یادداشت : کتابنامه: ص ۲۰۵.
 عنوان دیگر : موضوع‌شناسی دانش نوظهور.
 موضوع : عرف
 موضوع : Customary law
 موضوع : حجت (فقه)
 موضوع : (Authoritativeness (Islamic law
 موضوع : فقه -- زده‌بندی
 موضوع : Islamic law -- Classification
 شماره اثر زده : مؤسسه موضوع‌شناسی احکام فقهی، گروه پژوهشی بنیادین
 شماره افزوده : حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت
 زده‌بندی کشور : ۵۸۸۸ / ۵۸۸۸-۹
 زده‌بندی دیوبندی : ۵۷ / ۳۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۶۰۰۸۲۴۳

موضوع‌شناسی، دانشی نو

«مبانی نظری»

مؤسسه موضوع‌شناسی احکام فقهی

گروه پژوهش‌های بنیادین

پژوهشگر: عباس ظهیری

ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۷.۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۴۰۰-۰

فهرست مطالب

۹	موضوع‌شناسی دانشی نو مبانی نظری
۱۱	محورهای مورد تحقیق
۱۳	محور اول: تبیین دقیق ماهیت موضوع‌شناسی
۱۳	۱- واژه‌شناسی مفهوم
۱۴	۲- واژه‌شناسی «مصدق»
۱۶	۳- اقسام مفاهیم
۱۶	دسته اول مفاهیم عرفی خاص
۱۸	۴- واژه‌شناسی موضوع
۱۸	واژه موضوع در اصطلاح علوم مختلف
۱۸	۱- موضوع در اصطلاح مناسقه
۱۸	۲- موضوع در اصطلاح فلاسفه
۱۹	۳- موضوع در اصطلاح اصولیین
۱۹	۴- موضوع در اصطلاح اجزاءالعلوم
۲۰	۵- موضوع در اصطلاح باب وضع
۲۰	۶- موضوع در اصطلاح علم حدیث
۲۱	۷- موضوع در اصطلاح شبهات موضوعیه
۲۱	۸- موضوع در اصطلاح موضوع‌شناسی
۲۲	قضایای حاوی احکام شرعیه
۲۲	قسم اول: قضایای بیان‌گر احکام وضعیه
۲۳	نمونه اول: مفهوم «صلح»
۲۳	نمونه دوم: «ضمانات رائجه»
۲۵	قسم دوم: قضایای بیان‌گر احکام تکلیفیه
۲۹	واژه‌شناسی «عنوان»

- ۳۰..... محور دوم؛ موضوع‌شناسی دانشی مستقل.....
- ۳۰..... ۱- واژه‌شناسی «علم».....
- ۳۱..... ۲- علوم و فنون و ضابطه علم بودن آنها.....
- ۳۲..... محور اول: ارکان علوم.....
- ۳۳..... محور دوم: تطبیق ارکان مقوم علم بر دانش موضوع‌شناسی.....
- ۳۳..... رکن اول برخورداری از تعریف.....
- ۳۷..... رکن دوم: برخورداری از موضوع.....
- ۳۸..... رکن سوم: برخورداری از غایت:.....
- ۴۰..... رکن چهارم: برخورداری از مسائل.....
- ۴۱..... رکن پنجم: برخورداری از مبادی تصویریہ.....
- ۴۱..... رکن ششم: برخورداری از مبادی تصدیقیہ.....
- ۴۲..... جمع‌بندی محور دوم.....
- ۵۵..... محور سوم: واژه‌شناسی عرف در لغت و اصطلاح.....
- ۵۵..... الف: واژه عرف از نگاه واژه‌شناسان.....
- ۵۵..... ۱- عرف به معنای صبر.....
- ۵۵..... ۲- عرف به معنای پی در پی بودن.....
- ۵۶..... ۳- عرف به معنای یال و تاج.....
- ۵۶..... ۴- عرف به معنای مکان مرتفع و بلند.....
- ۵۶..... ۵- عرف به معنای معروف.....
- ۵۷..... ۶- عرف به معنای شایسته.....
- ۵۸..... ۷- عرف به معنای اعتراف.....
- ۵۸..... ۸- عرف به معنای درخت خرما.....
- ۵۸..... ۹- عرف به معنای جود و سخاوت.....
- ۵۹..... ۱۰- عرف به معنای عادت و سنت.....
- ۵۹..... ۱۱- عرف به معنای سکون و آرامش.....
- ۵۹..... ۱۲- عرف به معنای اصطلاح.....
- ۶۰..... ب: واژه عرف در اصطلاح فقها و اصولیین.....

۶۰.....	تعریف اول عرف اصطلاحی
۶۱.....	تعریف دوم عرف اصطلاحی
۶۲.....	نقد تعریف اول و دوم عرف اصطلاحی
۶۳.....	تعریف سوم عرف اصطلاحی
۶۴.....	تعریف چهارم و پنجم عرف اصطلاحی
۶۶.....	تعریف پنجم عرف اصطلاحی
۶۸.....	جمع بندی محور سوم
۶۹.....	محور چهارم: اقسام عرف و محدوده اعتبار آن
۶۹.....	الف) عرف عام:
۶۹.....	ب) عرف خاص:
۷۰.....	انقسام عرف خاص:
۷۰.....	الف) عرف اهل لسان
۷۰.....	ب: عرف متشعّبه
۷۲.....	ج: عرف اقلیمی یا محلی
۷۳.....	د: عرف متخصص یا خبره
۷۸.....	محور پنجم: بررسی دلیل حجیت یا مرجعیت عرف در شناخت مفاهیم
۷۸.....	الف: دلیل مرجعیت عرف در اصل تشخیص مفاهیم
۸۲.....	ب: اعتبار و عدم اعتبار عرف در موضوعات مستنبطه
۸۲.....	قسم اول: موضوعات شرعیه محضه:
۸۳.....	قسم دوم: موضوعات عرفیه محضه:
۸۳.....	قسم سوم: موضوعات مستنبطه عرفیه یا لغویه
۸۶.....	محور ششم: مرجعیت عرف عام در تطبیق مفاهیم بر مصادیق
۸۶.....	انظار محققین در تطبیقات عرفی مفاهیم بر مصادیق
۸۷.....	نظر اول: عدم حجیت عرف در تطبیق مفاهیم بر مصادیق مطلقاً
۸۹.....	نظر دوم: حجیت نظر عرف در تطبیق مفاهیم بر مصادیق
۹۴.....	نظر سوم: تفصیل بین موارد تطبیقات عرفی
۱۰۳.....	مقتضای تحقیق و نظریه مختار

- محور هفتم: حجیت و عدم حجیت عرف متخصص در تطبیقات ۱۰۶
- محور هشتم؛ عناصر مؤثر در تغییر موضوعات احکام شرعی ۱۱۰
۱. عنوان خبیث (و خباث) ۱۱۰
- ادله حرمت خباث ۱۱۳
- نگاهی کوتاه به مصادیق خباث ۱۲۸
- بیشینه مسئله تأثیر زمان و مکان در اجتهاد ۱۳۱
- معانی تأثیر زمان و مکان در اجتهاد ۱۳۹
- تفسیر اول از «تأثیر زمان و مکان در اجتهاد» ۱۳۹
- تفسیر دوم از «تأثیر زمان و مکان در اجتهاد» ۱۴۰
- تفسیر سوم از «تأثیر زمان و مکان در اجتهاد»: ۱۴۱
- تفسیر چهارم از «تأثیر زمان و مکان در اجتهاد» از نظر حضرت امام عج ۱۴۴
- نمونه‌ها از تأثیر زمان و مکان در اجتهاد ۱۴۷
۲. تفسیر مناسب از «تأثیر زمان و مکان در اجتهاد» ۱۵۱
- موارد تأثیر شرایط زمانی و مکانی، مقارن با صدور روایت در اجتهاد ۱۵۲
۳. استحاله: ۱۶۳
- استحاله از نگاه واژه‌شناسان ۱۶۳
- جمع بندی نهایی ۱۷۸
- استحاله در اصطلاح فقهی: ۱۷۹
- ادله مطهریت استحاله (یا طهارت شیء مورد استحاله) ۱۸۷
- استحاله و مصادیق نوظهور آن (از نگاه احراز وقوع یا عدم وقوع و یا مرتکب شدن آن): ۱۹۴
- فهرست منابع ۲۰۴

موضوع‌شناسی، دانشی نو «مبانی نظری»

پیشرفت چشم‌گیر و حیرت‌انگیز علوم مادی و تجربی موضوعات نوظهوری را در زمینه‌های مختلف پزشکی، اقتصادی و حتی سیاسی به عرصه فقهت معاصر عرضه کرده است. مکلفان همگام با این پیشرفت پرشتاب، ارائه پاسخی شفاف را نسبت به بسیاری از این موضوعات، در تبیین احکام و حدود مرزهای شرعی آن، از فقه معاصر خواهانند. فقهت معاصر در برابر این مطالبه، ممکن است به یکی از این دو شیوه برخورد کند.

شیوه اول: همان شیوه فقهی رایج کهن است که پاسخ پرسش‌های فقهی به سبیل قضیه شرطیه و اینکه «اگر موضوع مورد سؤال چنان است، حکم آن چنان است و اگر چنین است، حکم آن این چنین است» ارائه شود. این شیوه گرچه در خصوص آن دسته از مسائل مورد ابتلا که تشخیص درست آن برای نوع مکلفین آسان و بدون ابهام، شک و تردید است، شیوه‌ای مقبول می‌باشد و مشکلی را به همراه ندارد. ولی به کار بردن آن در شرایط کنونی، در موضوعاتی که آمیخته با نوعی پیچیدگی و یا ظرافت است که تشخیص آن به آسانی برای عموم مکلفین میسر نیست، بی‌شک مشکل‌گشای پرسش‌گران فقهی، نخواهد بود؛ بلکه در پاره‌ای از موارد، موجب شدت شک، تردید و ابهام بیشتر است.

برای نمونه، ذبح با استیل از مسائل مورد ابتلای کنونی است که جمعی از فقها همچون امام راحل رحمته‌الله با تکیه بر اینکه آلت ذبح باید از جنس حیدر باشد، در آن اشکال کرده‌اند.^۱

نمونه دیگر، استفاده مردان از طلای سفید است که از موضوعات نوظهور می‌باشد که جمعی از فقها در تبیین حکم آن، به سبیل تعلیق پاسخ داده‌اند؛ بدین گونه که اگر عرفاً طلا شمرده می‌شود، استفاده از آن حرام است وگرنه اشکال ندارد. در تبیین حکم فقهی انواع

«ژله» که ممکن است از اجزاء میته و یا حیوان حرام‌گوشت ساخته شده باشد نیز به سبیل تعلیق گفته‌اند: چنانچه از اجزای حیوان حرام‌گوشت و یا میته تهیه شده، حرام است؛ مگر در صورت اطمینان به اینکه در فرایند تبدیل این اجزا، استحاله صورت گرفته باشد. ده‌ها نمونه دیگر از این دست وجود دارد که فقاقت معاصر بر اثر روشن نبودن موضوع خارجی، حکم شرعی آن را به سبیل تعلیق و فرض، تبیین می‌کند. اتخاذ این شیوه در تبیین احکام الهی و پاسخ از پرسش‌های فقهی، گرچه بر حسب صناعت و موازین اصولی فقهی مشکلی ندارد، ولی از نگاه عملی و کاربردی برای عموم مکلفین، نه تنها روشن‌گر و آگاهی‌بخش نیست، بلکه در بسیاری موارد بر اثر ناشناخته بودن موضوع، مایه ابهام یا تردید بیشتر آنها می‌گردد.

شیوه دوم. پاسخ‌گویی مسائل شرعی در این شیوه، قبل از تبیین حکم، موضوع مورد ابتلا را توده مکلفین دقیقاً مورد کنده‌کاو قرار می‌دهد و پس از شناخت ماهیت موضوع و حصول درک دقیق از آن، حکم شرعی آن را دور از هرگونه ابهام و تردیدی، به سبیل جزم و شفاف تبیین می‌کند. این شیوه دارای دو اثر مهم است:

اثر اول: فقیه و پژوهشگر فقهی را در تطبیق قواعد کلی فقهی بر مصادیق، و اتخاذ رأی دقیق متناسب با آن موضوع یاری می‌کند؛ چراکه در فرض عدم درک دقیق از موضوع، ممکن است فقیه به کمک انگاره‌ای بی‌تناسب با آن موضوع نظر دهد و بی‌شک موضوع‌شناسی دقیق، او را از این انگاره نادرست، مصون می‌دارد که گاهی به تبدل رأی ناشی از نگاه دقیق به موضوع منتهی می‌شود.

اثر دوم: مخاطبان و پرسشگران مسائل مورد ابتلا، پاسخ خود را در مورد وظیفه الهی خویش، به صورت شفاف و پیراسته از هرگونه ابهام و تردیدی دریافت می‌کنند. با در نظر گرفتن این مقدمه کوتاه، جایگاه رفیع موضوع‌شناسی و اهمیت و ضرورت آن در جامعه امروز کاملاً آشکار می‌شود.

در این پژوهش بر آنیم ضمن معرفی دقیق «موضوع‌شناسی»، آن را برای اولین بار به عنوان «دانش نوظهور» و علمی مستقل معرفی کنیم. البته تطبیق اصول و موازینی که در علم بودن هر رشته و فنی ضروری و لازم است بر این رشته، و اثبات برخورداری آن از

تمام این اصول، از لوازم این امر است که در این پژوهش بدان پرداخته‌ایم و اصول و مبانی نظری آن را طرّاحی و تثبیت می‌کنیم. البته ناگفته نماند که موضوع‌شناسی، جایگاه دقیق آن در مقایسه و نسبت‌یابی آن با دانش فقه، درحقیقت از مبادی تصویری آن است و در پاره‌ای از احکام جزئی از مبادی تصدیقیه آن به‌شمار می‌آید (به توضیحی که در جای خود خواهد آمد) ولی با نظر به گسترش دامنه علوم و فنون مادی و راه یافتن موضوعات جدید به عرصه موضوعات عرفی احکامی الهی، بدون هیچ‌گونه گزافه‌گویی و مبالغه، این واقعیت تصدیق می‌شود که لازم است رشته مستقلی متکفل شناخت دقیق موضوعات عرفی مرتبط به احکام فقهی شود. در ادامه اثبات خواهیم کرد که موضوع‌شناسی، تمام ارکانی که در علم بدون هر رشته و فنی لازم است را داراست و کمبودی در این زمینه ندارد.

محورهای مورد تحقیق

با وجود اینکه طرح عناوین مورد تحقیق و پژوهش در دل رساله‌های علمی تحقیقی چندان رایج نبوده، و با آن رساله‌نگاری موافق نیست، ولی با توجه به اهمیت مباحث و هدف تحقیق که همانا معرفی موضوع‌شناسی برای نخستین بار به عنوان دانش مستقل، همراه با تبیین اصول و مبانی نظری آن است، روا است ابتدا ضمن معرفی امّات مباحث و محورهای اصلی، با آنها آشنا شویم.

محور اول: تبیین دقیق ماهیت موضوع‌شناسی و مباحث مربوطه

- ۱- موضوع در اصطلاح منطقی؛
- ۲- موضوع در اصطلاح حکمت؛
- ۳- موضوع در اصطلاح اصول؛
- ۴- موضوع در اصطلاح اجزاء العلوم؛
- ۵- موضوع در اصطلاح باب وضع؛
- ۶- موضوع در اصطلاح شبهات موضوعیه؛
- ۷- موضوع در اصطلاح علم حدیث؛
- ۸- موضوع در اصطلاح «دانش نوظهور موضوع‌شناسی».

محور دوم: موضوع‌شناسی دانشی مستقل

- ۱- تعریف علم؛
- ۲- ضابطه و ارکان علم بودن رشته‌های مختلف؛
- ۳- تطبیق ضابطه مزبور بر رشته «موضوع‌شناسی».

محور سوم: واژه‌شناسی عرف و اصطلاحات آن

- ۱- واژه‌شناسی عرف در لغت؛
- ۲- واژه‌شناسی عرف در اصطلاحات مختلف.

محور چهارم: اقسام عرف و محدوده اعتبار و عدم اعتبار آنها

محور پنجم: بررسی دلیل حجیت عرف در تعیین و تحدید مفاهیم

- ۱- بررسی دلیل حجیت عرف عام در تشخیص و تحدید مفاهیم؛
- ۲- اعتبار عرف در موضوعات مستنبطه و دلیل آن.

محور ششم: مرجعیت عرف عام در تطبیق مفاهیم بر مصادیق

- ۱- نظر محققان؛
- ۲- بررسی ادله هر یک از نظرات؛
- ۳- مقتضای تحقیق.

محور هفتم: حجیت عرف متخصص در تطبیق مفاهیم بر مصادیق

محور هشتم: تعیین محدوده موضوع‌شناسی

محور نهم: عناصر مؤثر در تغییر و تبدل موضوعات عرفی احکام شرعی

- ۱- تبدل خبائث؛
- ۲- شرایط زمانی، مکانی، اقلیمی؛
- ۳- استحاله یا تغییر شیمیایی؛
- ۴- انتقال (به معنای مصطلح فقهی آن)؛
- ۵- انقلاب (به معنای مصطلح فقهی آن)؛
- ۶- استهلاک.